

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين.

تسلیت عرض میکنم شب شهادت ابالمهدی، امام عسکری علیه السلام را محضر همه شما شیعیان آل الله.

عظم الله اجورنا و اجورکم بمصابنا بالحسن العسکری

هدیه محضر امام عسکری و تعجیل در فرج حضرت منجی سه صلوات با توجه عنایت بفرمایید.

بحث کوتاهی تقدیم میکنم با موضوع: معجزه.

راه های اثبات نبوت و امامت متعدد است.

قطعا یکی از مهمترین این راهها، راه معجزه است.

معجزه از آن جهت که ملموس و قابل حس است برای اقشار مختلف جامعه بشری قابل درک است. به خلاف

استدلالات عقلی که برای همه افراد قابل فهم و تحلیل نیست.

لذا معجزه باب مهمی در مباحث کلامی دارد،

❖ چه از جهت اثبات امامت اهل بیت.

❖ چه از جهت عمق بخشی به شناخت دوستان و شیعیان اهل بیت.

☞ یکی از کم لطفی هایی که گاهی از جانب برخی شیعیان در حق اهل بیت روا داشته میشود آن است که ما امام را

شخصی در حد دیگران میننداریم.

به تعبیر مولای متقیان در نهج البلاغه:

سَيَهْلِكُ فِي صِنْفَانِ: مُحِبُّ مَفْرَطٍ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ ، وَ مُبْغِضٌ مُفْرَطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ ،
وَ خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ الْقَمَطِ الْأَوْسَطِ فَالزَّمُوهُ (درباره من دو گروه هلاک شوند: دوستدار افراطی که دوستی ، او را
به ناحق میکشاند و دشمن افراطی که دشمنی ، او را به ناحق میکشاند).

« در واقع گروه دوم نوعاً همان ها هستند که اهل بیت را در جایگاهی که هستند نمیشناسند.

معجزه این شناخت و معرفت را به ما میدهد که امام را به آن مقام والایی بشناسیم که کارهای خارق العاده ای به
اذن و قدرت الهی از او صادر میشود.

در کتب روایی امامیه، موارد متعددی از معجزات اهل بیت ذکر شده است.

به عنوان مثال #مرحوم بحرانی در کتاب «مدینه المعاجز» شهر معجزه‌ها، قریب ۱۴۰ معجزه برای امام عسکری
ذکر کرده است.

این حجم از معجزات در مورد امامی است که تنها به مدت محدودی قریب ۱۰ سال امامت داشتند، در ۲۸ سالگی
به شهادت رسیدند و البته در تمام عمر تحت نظر دستگاه حکومت بودند.

چه بسا بسیاری از معجزات حضرت توسط دستگاه حاکمه بایکوت خبری شده و به ما نرسیده باشد. و این تازه
یکی از کتب روایی ماست.

جا دارد برای شناخت بیشتر امام یازدهم، به چند مورد از معجزات حضرت اشاره کنیم:

#بیک. ابی سهل بلخی میگوید: کَتَبَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ يَسْأَلُهُ الدَّعَاءَ لِوَالِدَيْهِ (شخصی برای امام عسکری نامه نوشت و عرض کرد برای پدر و مادرم دعا کنید) وَ كَانَتْ الْأُمُّ غَالِيَةً وَ الْأَبُ مُؤْمِنًا (درحالی که مادر این شخص اهل غلو_ خدا دانستن اهل بیت_ بود ولی پدرش مومن راستینی بود) فَوَقَعَ رَحِمَ اللَّهِ وَالذِّكْرَ وَ كَتَبَ (امام عسکری در پاسخ نوشتند: خدا پدرت را رحمت کند. و اصلاً نامی از مادر اهل غلو این شخص نیاوردند)

آخِرُ يَسْأَلُ الدَّعَاءَ لِوَالِدَيْهِ (شخص دیگری هم برای امام عسکری نامه نوشت و تقاضای دعا برای پدر و مادرش را داشت) وَ كَانَتْ الْأُمُّ مُؤْمِنَةً وَ الْأَبُ ثَنَوِيًّا (در حالی که مادرش مومن بود ولی پدرش از جهت عقیدتی دچار انحراف بود) فَوَقَعَ رَحِمَ اللَّهِ وَالذِّكْرَ وَ التَّاءُ مَنقُوطَةٌ [يَنْقُطَتَيْنِ مِنْ فَوْقَ]. (امام عسکری نوشتند خدا مادرت را رحمت کند_ و بعد توضیح دادند يكَ نخوانی «والديك» که به معنای پدر و مادر است، بلکه نقطه را بالا بگذار و بگو «والدتك» یعنی فقط مادرت_)

﴿این معجزه دلالت دارد بر علم غیب امام و آگاهی از نیت ها و عقاید انسان.

قبل از آنکه روایت دوم را عرض کنم، لحظه ای با خود خلوت کنید و مهمترین دعاها و خواسته هایی که دارید را از ذهن بگذرانید. خدا به برکت امام عسکری حوائج همه حاجت‌مندان و ملتمسین دعا را برآورده به خیر نماید.

#دو. الشَّيْفِ الْجُرْجَانِيُّ : حَجَّجْتُ سَنَةً فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسُرٍّ مِنْ رَأْيِ (شریف جرجانی می‌گوید: سالی عازم حج شدیم و در سامرا نزد امام عسکری-علیه السلام- رسیدم)

وَ قَدْ كَانَ أَصْحَابُنَا حَمَلُوا مَعِيَ شَيْئًا مِنَ الْمَالِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَهُ إِلَى مَنْ أَدْفَعُهُ فَقَالَ قَبْلَ أَنْ قُلْتُ لَهُ ذَلِكَ إِدْفَعْ مَا مَعَكَ إِلَى الْمُبَارَكِ خَادِمِي. قَالَ فَفَعَلْتُ وَ خَرَجْتُ (و شیعیان، مال زیادی را توسط من برای آن حضرت، فرستاده بودند.

خواستم از حضرت بپرسم که آنها را به چه کسی بدهم اما قبل از اینکه چیزی بگویم، فرمود: آنچه با خود آورده‌ای به مبارک، خادم من بده. می‌گوید: من نیز چنان کردم.)

وَقُلْتُ إِنَّ شِيعَتَكَ بِجُرْجَانَ يَقْرءُونَ عَلَيْكَ السَّلَامَ. قَالَ أَوْ لَسْتُ مُنْصَرَفًا بَعْدَ فَرَاغِكَ مِنَ الْحَجِّ قُلْتُ بَلَى. (سپس گفتم در گرگان شیعیان به تو سلام می‌رسانند. فرمود: آیا بعد از اتمام حجت به آنجا برمی‌گردی؟ گفتم: آری.)

قَالَ فَإِنَّكَ تَصِيرُ إِلَى جُرْجَانَ مِنْ يَوْمِكَ هَذَا إِلَى مِائَةِ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا وَ تَدْخُلُهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِثَلَاثِ لَيَالٍ يَمْضِينَ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْآخِرِ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ (فرمود: تو بعد از صد و هفتاد روز، به گرگان می‌رسی. و اول روز جمعه سه روز گذشته از ماه ربیع الآخر به آنجا وارد می‌شوی.)

فَأَعْلَمُهُمْ أَنِّي أَوْافِيهِمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ آخِرِ النَّهَارِ (به آنها بگو که من هم آخر همان روز، آنجا می‌آیم)

فَأَمَضَ رَأْسِدًا فَإِنَّ اللَّهَ سَيَسَلُّكُمْ وَ يُسَلُّكُمْ مَا مَعَكُمْ فَتَقْدَمُ عَلَى أَهْلِكَ وَ وُلْدِكَ وَ يُؤَلِّدُ لَوْلَدِكَ الشَّرِيفِ ابْنَ فَسَمَّهِ الصَّلَتِ بَنَ الشَّرِيفِ بَنَ جَعْفَرِ بَنَ الشَّرِيفِ وَ سَيَبْلُغُهُ اللَّهُ وَ يَكُونُ مِنْ أَوْلِيَانِنَا. (برو، خدا تو و آنچه با خود داری سالم نگهدارد. و بر خانواده‌ات وارد می‌شوی و برای پسرت، شریف فرزندی متولد می‌شود، اسمش را صلت بن شریف بن جعفر بن شریف بگذار. و خداوند او را بزرگ می‌گرداند و از دوستان ما خواهد شد)

قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ بَنَ إِسْمَاعِيلَ الْجُرْجَانِيَّ وَ هُوَ مِنْ شِيعَتِكَ كَثِيرُ الْمَعْرُوفِ إِلَى أَوْلِيَايَكَ يُخْرِجُ إِلَيْهِمْ فِي السَّنَةِ مِنْ مَالِهِ أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ هُوَ أَحَدُ الْمُتَقَلِّبِينَ فِي نِعْمِ اللَّهِ بِجُرْجَانَ. فَقَالَ شَكَرَ اللَّهُ لِأَبِي إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بَنَ إِسْمَاعِيلَ صَنِيعَتَهُ إِلَى شِيعَتِنَا وَ عَفَرَ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ رَزَقَهُ ذِكْرًا سَوِيًّا قَابِلًا بِالْحَقِّ فَقُلْ لَهُ يَقُولُ لَكَ الْحَسَنُ بَنَ عَلِيِّ سَمِّ ابْنِكَ أَحْمَدَ (گفتم: یا بن رسول الله! ابراهیم بن اسماعیل جرجانی از شیعیان توست و بین دوستانت بسیار معروف است. و هر سال بیشتر از صد هزار درهم به آنها می‌دهد. فرمود: خدا از ابراهیم بن اسماعیل، بخاطر

رفتارش با شیعیان ما، راضی است و گناهان او را بخشیده و فرزند سالمی به او روزی کرده است که حق را می‌گوید. به او بگو: که حسن بن علی گفت: نام پسر تو را «احمد» بگذار).

فَأَنْصَرَفْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَ حَجَجْتُ وَ سَلِمَنِي اللَّهُ حَتَّى وَافَيْتُ جُرْجَانَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْآخِرِ عَلَى مَا ذَكَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (سپس نزد آن حضرت برگشتم و مناسک حج را انجام دادم. و خدا مرا سالم نگهداشت تا اینکه روز جمعه، اول ماه ربیع الآخر، در ابتدای روز همچنان که امام فرموده بود به گرگان رسیدم)

وَ جَاءَنِي أَصْحَابُنَا يَهْنُوتِي فَأَعْلَمْتُهُمْ أَنَّ الْإِمَامَ وَعَدَنِي أَنْ يُؤَافِيَكُمْ فِي آخِرِ هَذَا الْيَوْمِ فَتَأْهَبُوا لِمَا تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ وَ أَعِدُوا مَسَائِلَكُمْ وَ حَوَاجِبَكُمْ كُلَّهَا. (دوستان و آشنایان برای دیدار من آمدند. به آنها گفتم که امام حسن عسکری-علیه السلام- وعده داده است که تا آخر همین روز، اینجا بیاید، پس آماده شوید تا سؤالها و حوایج خود را از او بخواهید.)

فَلَمَّا صَلَّى الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ اجْتَمَعُوا كُلُّهُمْ فِي دَارِي فَوَ اللَّهُ مَا شَعَرْنَا إِلَّا وَ قَدْ وَافَانَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ إِلَيْنَا وَ نَحْنُ مُجْتَمِعُونَ (همین که نماز ظهر و عصر را خواندند، در خانه من اجتماع کردند. به خدا قسم! چیزی نفهمیدیم مگر اینکه امام-علیه السلام- آمد و وارد خانه شد.)

فَسَلِمَ هُوَ أَوْلَا عَلَيْنَا فَاسْتَقْبَلَنَا وَ قَبَّلَنَا يَدَهُ. ثُمَّ قَالَ إِنِّي كُنْتُ وَعَدْتُ جَعْفَرَ بْنَ الشَّرِيفِ أَنْ أُؤَافِيَكُمْ فِي آخِرِ هَذَا الْيَوْمِ فَصَلَّيْتُ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ بِسُرٍّ مِنْ رَأْيٍ وَ صِرْتُ إِلَيْكُمْ لِأَجْدَدَ بِكُمْ عَهْدًا وَ هَا أَنَا حِثُّكُمْ الْآنَ فَاجْمَعُوا مَسَائِلَكُمْ وَ حَوَاجِبَكُمْ كُلَّهَا. (اول او بر ما سلام کرد، سپس ما به استقبالش رفتیم و دستش را بوسیدیم. سپس فرمود: من به جعفر بن شریف وعده داده بودم که آخر همین روز به اینجا بیایم. نماز ظهر و عصر را در سامرا خوانده‌ام و به سوی شما آمدم تا تجدید عهد نمایم. و اکنون در خدمت شما هستم و حاضر تمام سؤالها و حوایج شما را برآورده سازم.)

فَأُولُ مَنْ انْتَدَبَ لِمَسَائِلَتِهِ النَّضْرُ بْنُ جَابِرٍ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ ابْنِي جَابِرًا أُصِيبَ بِبَصَرِهِ مُنْذُ أَشْهَرٍ فَأَدْعُ اللَّهَ لَهُ أَنْ يَرَهُ عَلَيْهِ عَيْنِيهِ قَالَ فَهَاتِهِ. فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ فَعَادَ بَصِيرًا (و نخستین کسی که پرسش نمود «نضر بن جابر» بود. او گفت: یا ابن رسول الله! چند ماه است که چشمان پسر من آسیب دیده است، از خدا بخواه تا بینایی را به او برگرداند. حضرت فرمود: او را بیاور. پس دست مبارکش را به چشمانش کشید، بینایی او به حالت اول برگشت)

ثُمَّ تَقَدَّمَ رَجُلٌ فَرَجُلٌ يُسْأَلُونَهُ حَوَائِجَهُمْ وَ أَجَابَهُمْ إِلَى كُلِّ مَا سَأَلُوهُ حَتَّى قَضَى حَوَائِجَ الْجَمِيعِ وَ دَعَا لَهُمْ بِخَيْرٍ وَ انْصَرَفَ مِنْ يَوْمِهِ ذَلِكَ (آنگاه مردم يك به يك می آمدند و نیازهای خود را مطرح می کردند. و حضرت نیز برای آنها دعا می نمود و حوائجشان را بر آورده می ساخت. سپس حضرت، همان روز هم به سامرا برگشت)

« در روایت بالا موارد متعددی از معجزه را مشاهده میکنیم. پیش گویی دقیق حضرت در مورد زمان مراجعت از حج، اطلاع از اوضاع و احوال مردم گرگان، اطلاع از فرزندی که به دنیا می آید و سرنوشت او، حرکت از سامرا به گرگان، شفای نابینا و...»

و اما دو جمله #روضه و عرض ادب به محضر امام حسن عسکری:

﴿نوشته اند وقتی آن ملعون در زندان به امام سم خواند، برای اینکه مردم بر علیه او قیام نکنند و این لکه ننگ تا همیشه به دامان او ننشیند امام عسکری را از زندان آزاد کرد تا وانمود کند شهادت امام علت دیگری داشته...﴾

امام عسکری اول ربیع آزاد شد، بعد از مدتها به خانه آمده. فرزند دلبندش حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف آمد از آزادی پدر خوشحالی کند، ولی حال امام را که دید متوجه شد روزهای آخر پدر است.

مقاتل نوشته اند که حال امام چنان رو به وخامت رفت که توان نگه داشتن يك كاسه آب را نداشت، رعشه بر بدن عارض شده بود و حضرت با همین حال جان داد.

● □ روضه خوانها اینجا گریز میزنند به #روضه~علی_اکبر سلام الله علیه.

در سامرا پدر روی دست پسر جان داد، ولی در کربلا پدر نعش اربا اربایی جوانش را روی دست گرفت.

❖ ولی امشب روضه من چیز دیگری است:

در مقتل میگوید در تشییع جنازه امام عسکری: فکانت سر من رأی یومئذ شبیها بالقیامه چنان جمعیتی برای تشییع جنازه آمد، گویی سامرا قیامت شده بود.

• اما جان به قربان آن آقایی که پیکر بی سرش روزها غریبانه زیر آفتاب سوزان کربلا بود...

• جان به قربان آن آقایی که به جای گلباران، پیکر او زیر سم اسبها زخمی شد...

• جان به قربان آقایی که تشییع جنازه ی او غریبانه در بین عده ای از بنی اسد برگزار شد...

صلی الله علیک یا اباعبد الله

صلی الله علیک یا اباعبد الله

الهي بمحمد و علي و فاطمه و الحسن و الحسين و تسعه المعصومين من ولد الحسين

✓ خدایا به محمد و آل محمد ظهور منتقم آل محمد نزدیک بگردان.

✓ ما را جزء شیعیان و خدمتگذاران امام عصر قرار بده.

✓ عمر ما را خدمت به علی و اولاد علی قرار بده.

✓ نسل و ذریه ما را علوی و فاطمی و مهدوی قرار بده.

✓ به محمد و آل محمد سایه پر برکت رهبر انقلاب بر سر ما مستدام بدار.

✓ روح گذشتگان و اموات، مخصوصاً در این هفته دفاع مقدس روح شهدای ما را سر سفره کرامت امام
عسکری مهمان بفرما.

✓ این قلیل توسلات را به احسن وجه از جمع حاضر بپذیر.

✓ آنچه نگفتیم و بدان محتاجیم از خزانه غیب به ما عنایت بفرما.

بالنبي و آله، رحم الله من يقرأ الفاتحه مع الصلوات